

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

بازتایپ و ارسال از: لاله

تاریخ حزب کار البانی

انستیتیوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی
چاپ «نعم فراشری» تیرانا ۱۹۶۹

بخش پنجاه و ششم

۰۳ نومبر ۲۰۱۴

ایجاد بخش سوسیالیستی اقتصاد

قدرت جدید سیاسی که به مثابه قدرت توده‌ئی انقلابی در البانی بر پا شده بود نمی توانست بر اساس اقتصادی و اجتماعی کهن بر جای بماند. ممکن نبود که او بر این پایه بتواند وظائف نوسازی کشور و به طریق اولی وظائف ناشی از تکامل بعدی انقلاب را به خوبی انجام دهد.

نخست می بایست سرمایه خارجی را که مواضع کلیدی مالی، صنعتی و معدنی در دست او بود از البانی بر انداخت. طبقات استثمارگر نیز هنوز مواضع محکمی در اقتصاد داشتند و وسائل عمده تولید در اختیار آنان بود. آنان با استفاده از چنین موقعیتی می کوشیدند که در کار نوسازی اخلال کنند. زندگی اقتصادی را بر هم زنند و بی اعتمادی نسبت به قدرت توده‌ئی بر انگیزند. بازرگانان و کارفرمایان البانی و خارجی، کالاهای خود را به بازار می آوردند و به این طریق موجب ترقی قیمت ها و توسعه بازار سیاه می شدند. کارخانه ها و کارگاه ها را تعطیل می کردند و کارگران را بیکار می گذاشتند. به احتکار و به ویژه به احتکار غلات می پرداختند. و این اعمال موجب اختلال زندگی اقتصادی می گشت و وضع زحمتکشان را دشوار می ساخت. در چنین شرایطی لزوم بر انداختن اساس اقتصادی کهن باز هم بیشتر می شد.

حل قطعی این مسأله ایجاب می کرد که به هر قیمتی که باشد تحولات عمیق اقتصادی و اجتماعی روی دهد و اقتصاد بر پایه نوین یعنی بر پایه سوسیالیستی ساخته شود.

البته مبرم ترین تحولات اقتصادی و اجتماعی که پس از رهائی البانی به عمل آمد جنبه دموکراتیک ضد امپریالیستی و ضد فئودالی داشت. اجرای این تحولات ادامه ناگزیر و منطقی انقلاب توده‌ئی به شمار می آمد و امکان می داد که انقلاب به پایان برده شود.

ولی در شرایط سیاسی که پیش آمد و در هنگامی که قدرت توده‌ئی به اعمال وظائف دیکتاتوری پرولتاریا پرداخت، حزب نمی‌توانست منتظر بماند و منتظر نماند که کلیه وظائف دموکراتیک به آخر برسد تا بعداً وظائف سوسیالیستی را به تحقق در آورد. تناسب قوای طبقاتی در البانی امکان می‌داد که اجرای سریع تحولات دموکراتیک فوراً با تحقق تحولات سوسیالیستی همراه گردد.

مهمترین و قطعی‌ترین تحولات مذکور عبارت بود از اجتماعی کردن وسائل عمده تولید از طریق ملی کردن آنها. نظارت دولت بر تولید و توزیع که در دسامبر ۱۹۴۴ برقرار شد گام نخستین و اقدام مقدماتی در راه ملی کردن وسائل عمده تولید بود. این نظارت در عین حال شکلی از نظارت کارگری بود و شامل می‌شد بر بنگاه‌های سرمایه‌های ملی و خارجی که با فعالیت خود در مجموعه اقتصاد توده‌ئی تأثیر می‌گذاشتند.

این نظارت به وسیله کمیسر هائی انجام می‌گرفت که از طرف دولت معین می‌شدند. کارگران به کمک ارگان‌های حزبی و کمیسر ها فعالانه در سازمان دادن تولید و رهبری بنگاه‌ها شرکت جستند و به این طریق امکان یافتند که نیروی خویش را بیازمایند و صلاحیت لازم در اداره تولید به دست آورند. نظارت کارگری امکان داد که ظرفیت تولید بنگاه‌ها، منابع و ذخائر مواد اولیه و مصالح ساختمانی و سوخت به خوبی شناخته شود. طبقه کارگر با اعمال این نظارت آماده شد که بنگاه‌ها را پس از ملی شدن در دست بگیرد و اداره کند.

در دسامبر ۱۹۴۴ معادن و سایر اموال مهاجران سیاسی ملی شد. یک ماه بعد قانون جدیدی مقرر داشت که اموال اتباع ایتالیا و المان در البانی مصادره شود. به موجب این قانون بانک ملی، سایر بانک‌ها و اموال سه شرکت سهامی متعلق به سرمایه‌داران خارجی، بدون غرامت به دست دولت البانی افتاد و ملک مشترک خلق البانی شد. در ۱۹۴۵ کلیه وسائل حمل و نقل متعلق به مالکان خصوصی در برابر تاوان معینی ضبط شد.

ملی کردن‌های مذکور اهمیت بسیار داشت و در اثر آنها مواضع کلیدی اقتصاد به دست دولت افتاد و در خدمت توده‌های زحمتکش قرار گرفت. بر انداختن مواضع اقتصادی سرمایه خارجی به وابستگی اقتصادی کشور به دول امپریالیستی خاتمه داد و استقلال سیاسی کشور را باز هم بیشتر تقویت کرد.

ملی کردن‌های سال ۱۹۴۵ از لحاظ شکل خود جنبه عمومی دموکراتیک داشت. اما از لحاظ مضمون اقتصادی و اجتماعی خود از این حد فراتر می‌رفت. ملی کردن‌های مذکور به سود توده‌های زحمتکش صورت می‌گرفت و وسائل ملی شده را کاملاً و مستقیماً به خدمت آنها در آورد. از این جهت ماهیتاً اجتماعی کردن وسائل عمده تولید، اجتماعی کردن با خصلت سوسیالیستی بود. بخش سوسیالیستی دولتی اقتصاد توده‌ئی بر این پایه به وجود آمد.

اتحادیه‌های حرفه‌ئی در این امر که توده‌های زحمتکش را هر چه بیشتر به نوسازی کشور، به زندگی سیاسی، اجتماعی و دولتی بکشانند نقش خاصی بر عهده داشتند. این اتحادیه‌ها تحت رهبری حزب به صورت عامل مهمی در عملی ساختن وظائف قدرت توده‌ئی در می‌آمدند. این اتحادیه‌ها به ویژه مساعی فراوان به کار بردند تا تولید و بازدهی کار را افزایش دهند، وضع و شرایط کار کارگران را بهبود بخشند و همچنین آموزش حرفه‌ئی و سیاسی خویش را به پیش برانند.

در جولای ۱۹۴۵ نخستین کنوپراتیو‌های مصرف به منظور رفع حوائج کارگران و کارمندان در شهرها به وجود آمدند که نخستین سازمان‌های اقتصادی توده‌ئی بودند. در شرایطی که سهم بخش دولتی در بازرگانی هنوز بسیار کم بود این کنوپراتیو‌ها نقش مهمی در تدارک منظم مایحتاج زحمتکشان شهرها و در مبارزه علیه احتکار و بازار سیاه بازی می‌کردند. حزب در عین حال که به ایجاد کنوپراتیو‌های مصرف می‌پرداخت به کار توضیحی و اقناعی عظیمی در میان پیشه‌وران مشغول بود تا آنها را به سوی کنوپراسیون براند.

ایجاد بخش های سوسیالیستی اقتصادی با اتخاذ تدابیر مهمی به سود کارگران و کارمندان همراه بود. روز هشت ساعت کار برقرار شد. صرف نظر از سن و جنس کارگر برای کار برابر دستمزد برابر مقرر گردید. حق پانزده روز مرخصی سالیانه با حقوق شناخته شد. بیکاری تقریباً به کلی بر افتاد. این کامیابی های انقلابی موجب گردید که شرایط زندگی زحمتکشان تا حدی بهبود یابد و زمینه پیروزی های جدید در رشد اقتصادی و اجتماعی کشور بر مبنای سوسیالیستی فراهم آید.

ادامه دارد...